

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – ۱۵ اگست ۲۰۱۰

پورتال پیشتاز "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" که پیوسته بر نکات مهم و حیاتی وطن انگشت مانده و اذهان خوابیده و خواب آلود را بیدار میگرداند، با پیش کشیدن و برجسته ساختن موضوع دفاع از وحدت و یکپارچگی افغانستان عزیز، یگانه نهادی بود که قدم پیش نهاد، پیشقدم گردید و این دین مقدس را با جدیت تمام دنبال کرد. اولاً با صدور اعلامیه شماره ۵۲ به دو زبان ارجمند ملی و رسمی ما – پشتو و دری – و سه زبان جهانی انگریزی و فرانسوی و المانی، موقف صریح و تزلزل ناپذیر خود را بیرون داد و بلافاصله با نشر مقالات و مصاحبات بی شمار زیر کلیشه "در دفاع از وحدت افغانستان"، آغاز کرد، که با کمال جدیت ادامه دارد.

خوشبختانه می بینیم که ابتکار، انهماک و اهتمام فعالان پورتال در این مسأله حیاتی و ملی، بسا نویسندگان و وبسایتهای افغانی فرورفته در خواب غفلت را تکان داد، به هوش آورد و از "باتلاق بی تفاوتی" بیرون کشید. و چه افتخاری بالاتر ازین؟؟؟؟

از ته دل و از اعماق روح و روانم آرزو می کنم که این پورتال رزمنده، میتکر و پویا همیشه پیشقراول، موتور و لوکوموتیف اندیشه های ملی و مترقی باشد و لحظه ای هم ازین صراط المستقیم، عدول و فرو گذاشت نکند!!!!!!

مادر دهر عقیم باد

از زادن فرزندان خائن و وطنفروش!!!

طرح و مفکوره تجزیه افغانستان
قطعاً محکوم به شکست است!!!

چو میهن نیاشد تن من مباد
همه سر بسر تن به کشتن دهیم!!!

درین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که میهن بدشمن دهیم!!!

ایزد متعال در وجود هر انسان صفاتی را به ودیعه گذاشته است، که در واقع شخصیت و ماهیت هستی و کیان او را بیان میکند. یکی ازین صفات جوهری، عشق به آزادی و وطن است. من شخصاً بدلائل متقن، "عشق به آزادی" و "عشق به وطن" را اجزاء لایتجزای یک واحد کل و لازم و ملزوم یکدیگر میدانم. تا جائی که حافظه تاریخ قد میدهد، باشندگان خاک پاک افغانستان، ازین دو ودیعه شاد – که بحق "شاهکار خلقت" است – پیوسته برخوردار بوده اند. مردم آزاده و وطنپرست ما در هر زمانی سر را فدای آزادی و وطن نموده اند؛ سر داده اند و کشور نداده اند!!!!!! این خاصیت ممیز و خانه زاد را حکیم ابوالقاسم فردوسی، هزار سال پیش در حضرت بزرگوار "غزنی" در قالب دو بیت شاهوار بالا ریخت و جاودانه ساخت. فردوسی نامدار در حقیقت ضمن این ابیات، خصیصه مجبول و ذاتی مردم مرز و بوم ما را افاده فرمود. و "شاهنامه فردوسی" هم چیزی دگر نیست، مگر

"کارنامه زنان و مردان این خاک ارچناک!!!"

و حدود ده قرن بعد از اوی، چه زیبا فرمود شاعر عالیقدر افغان، استاد عبدالعلی مستغنی:

داد خدا در ازل با همه کس پیشه ای غیرت و مردانگی، قسمت افغان رسید

و چه زیباست شنیدن این شاهبیت از آواز جاودان و حنجره نیک بنیان اوستاد اوستادان ساز و آواز افغانستان، استاد "قاسم افغان". این بیتها و ابیات نظیر آنها را باید آویزه گوش دل کرد و تا پای جان بدان معتقد بود!!!!

معلوم است، که در هر زمانه ای، در هر جامعه و سرزمینی در پهلوی اکثریت مطلق آزاده و وطنپرست و جانثار زادگاه و خاک، عده ای نامعنتابه و معدود نمک حرام و "شیر خر خورده" خود فروش و "همه چیز فروش" هم دیده می شوند. در افغانستان محبوب و مقدس ما در همین روزگاری که میزیم نیز، کسانی عاری از وجدان را می یابیم که برایشان هر چیز "قابل فروش" است. ایشان نه "غیرت" را می شناسند، نه از کوچه "تنگ و ناموس" گذر کرده اند و نه هم خون "ازادگی و وطنخواهی و مردم دوستی" در عروق و شرايينشان جاریست. اینان حاضرند که در بدل حصول پول و باصطلاح گیرای کابلی "چرک دنیا"، همه چیز را سودا کنند؛ خود را و نام و تنگ و ناموس را و دین و آئین و خاک و زادگاه و وطن را!!!!

حالا که وطن ما در اشغال قوای متجاوز قرار گرفته و دول اشغالگر درین خاک پاک خیمه فروشته و دالر و یورو و پوند را به شاخی باد میکنند، بازار خودفروشیها هم چوک گشته است. وطنفروشان که غرق دریای دالر گشته اند، سر از پا گم کرده و هزاران جان گرامی را فدای یک تار موی باداران خریول و ریالدار و دالرمدار میکنند. اشغالگران که بعد از سالهای آرامش ظاهری، اینک با قهر مردم روبرو گشته و روز تا روز عرصه را بر خود تنگتر می یابند، در فکر این شده اند، تا "طلمس وحدت و مقاومت" مردم را بشکنند. اینست که به نیرنگ پارینه استعماری خود گرائیده و میکوشند، که پیوندها را ببرند و در بین مردم جسور و خاکپرست، درز بیندازند و تا میتوانند درزها را عمیق بسازند. بی جهت نیست که در همین بوجوه و در اوج طغیان مردم، "استمزاجاً" زمزمه "تجزیه افغانستان" را سر زبانها انداخته اند. بلی؛ ایشان این کار را در اول بر صبغت "استمزاج" (۲) انجام میدهند، تا نبض مردم و حساسیت و عکس العملهای ایشان در برابر چنین خیاباتی دریابند. به یقین که اگر ایشان از این "استمزاج امتحانی"، نتیجه دلخواه گرفتند، قدمهای بعدی را نیز خواهند برداشت.

میدانیم که طرح تجزیه "افغانستان" به "شمال" و "جنوب" یا "افغانستان شمالی" و "افغانستان جنوبی" و یا باشکال دیگر، فکر و مفکوره (۳) تازه ای هم نیست. اشغالگران ملعون شوروی هم در زمان تسخیر نظامی افغانستان و در طی مدت ده ساله زور آزمائی خود با خلق نبرده (۴) و دشمن شکن ما، بدین نتیجه رسیده بودند، که این خاک پاک را باید دو شق کنند و با گسلاندن ارتباط و باهمی ملی مردم این خطه، عمر ننگین استعماری خود را طولانی بسازند. مشهور است که مفکوره انتقال پایتخت از چشم و چراغ وطن، حضرت "کابل"، به "مزار شریف" در زمان ببرک لعنتی و نجیب الله خون آشام با تبانی کامل دار و دسته خائن اعظم، "احمد شاه مسعود"، و اعوان و ظلمه زمرد فروش و دشمن شنوش، ریخته شده بود!!!!!! و اکنون؛

آری؛ اکنون به چشم سر می بینیم که طرح تجزیه وطن را باز بیگانگان، بمدد بیگانه پرستان یعنی افغانان نمک حرام و نوکر اجانب، به میدان می اندازند. چنان که آشکاره گردید، طرح اخیر تجزیه افغانستان را گویا یک "دیپلمات مرتد امریکائی" سر زبانها انداخت، که بعد با دهل و سرنای نوکران بومی و جیره خوار امپریالیزم، بدرقه گردید. و اشخاص مجهول الهویه ای در هر طرف در تب و تلاش افتیدند، تا این فکر شوم را در بین افغانان بپراکنند. این پروپاگندها البته فعلاً بیشتر در خارج از وطن براه انداخته میشود. می بینیم و میشنویم که اشخاص پلید و خبیثی در اینجا و آنجا - از جمله در اتازونی و کانادا - باد متعفن جهانخواران امپریالیست را در غیغ فرو برده، از گلو برون میدهند.

از زمانی که اراذلی مشهور، اصطلاح نامشروع، بی منطق و ضدملی "افغانستانی" را در مقابل مقوله ملی و قانونی "افغان" علم ساختند، بوی مفکوره تجزیه وطن از کوی همین نمک حرامان به مشام می آمد. نویسندگان ملی افغان با رسالت و مسؤولیتی که داشتند و دارند، به مقابله جدی برخاسته و این مفکوره تباهکن و خائنانه را به شکست قطعی مواجه ساختند. این قلم هم به رسته خود با نوشتن دهها مقاله، از جمله سلسله چار بخشه "افغان، افغانی، افغانستانی" ، مشت کوبنده ای نثار تجزیه طلبان کرد. (۵)

در تمام طرحهای تجزیه، دو نکته به حیث "مخرج مشترک" قابل لمس است:

۱- دخالت بیگانه:

در تمام این طرحها دست داشتن مستقیم بیگانگان را می بینیم. و اگر افغانان ناخلفی هم این نوا را سر میدهند، بر اثر تحریک و تطمیع و تشجیع اجنبیان است!!!

۲- غیابت مردم افغانستان:

آنچه در این طرحها به هیچ وجه مشاهده نمیگردد، رضایت و خواست مردم این خطه سرفراز یعنی خود "افغانان" است. وقتی از "مردم" میگویم، مرادم توده های ملیونی و دهها ملیونی، یعنی "اکثریت مطلق" باشندگان افغانستان است. شمار خودفروخته افغانی، که بر اثر تطمیع و تحریک و تشجیع بیگانه بدین کار رضایت نشان میدهد، آنقدر کوچک است که اصلاً در حساب هم نمی آید.

چون اجنبیان و بیگانگان بدکیش خوب میدانند، که خلقها و توده های ملیونی افغانستان - یعنی افغانان اصیل و صاحبان اصلی این سرزمین - به هیچ صورت روادار جدائی از هم نیستند و هرگز به تجزیه خاک خود تن در نداده و تعلقات باهمی هزاران ساله خود را فدای امیال خصام و اعداء نمیکند؛ پس:

پس طرح جدائی و تجزیه را از "خارج" و احیاناً از "رأس" درست کرده بمیدان میکشند. آن عده از افغانان ناسپاس و خودفروش و افغانانی که کوچکترین عرق ملی و میهنی ندارند، و بر اثر تطمیع و تحریک و تشجیع بیگانگان به حمایت ازین ترفند خائنه بر میخیزند، حتی بر توده های مردم ما خشمگین اند و بر ایشان میگردند، که چرا به تجزیه خاک خود، تن نمیدهند و راضی نمی شوند!!!!!! اما؛

اما؛ تعلیمیافتگان روشندل و پاکنهاد، دل به توده های ملیونی و مردم ستمکش وطن که مالک افغانستان هم اوشانند، بسته اند و میدانند، که ایشان حافظ و حارس و نگهبان بلامنازع این خاک اند و اگر چند تعلیمیافته "نمک حرام" و "متعفن دهن" و "گندیده رأی" و یا بیگانگان، در فکر نابودی و تجزیه وطن ما هم باشند، هیچ باکی نیست!!!!

با افتخار بسیار قابل تذکار میدانم :

پورتال پیشتاز "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" که پیوسته بر نکات مهم و حیاتی وطن انگشت مانده و اذهان خوابیده و خواب آلود را بیدار میگرداند، با پیش کشیدن و برجسته ساختن موضوع دفاع از وحدت و یکپارچگی افغانستان عزیز، یگانه نهادی بود که قدم پیش نهاد، پیشقدم گردید و این دین مقدس را با جدیت تمام دنبال کرد. اولاً با صدور اعلامیه شماره ۵۲ به دو زبان ارجمند ملی و رسمی ما - پشتو و دری - و سه زبان جهانی - انگریزی و فرانسوی و المانی، موقف صریح و تزلزل نپذیر خود را بیرون داد و بلافاصله با نشر مقالات و مصاحبات بی شمار زیر کلیشه "در دفاع از وحدت افغانستان"، آغاز کرد، که با کمال جدیت ادامه دارد.

خوشبختانه می بینیم که ابتکار، انهماک و اهتمام فعالان پورتال در این مسأله حیاتی و ملی، بسا نویسندگان و وبسایتهای افغانی فرورفته در خواب غفلت را تکان داد، به هوش آورد و از "باتلاق بی تفاوتی" بیرون کشید. و چه افتخاری بالاتر ازین؟؟؟؟

از ته دل و از اعماق روح و روانم آرزو می کنم که این پورتال رزمنده، مبتکر و پویا همیشه پیشقراول، موتور و لوکوموتیف اندیشه های ملی و مترقی باشد و لحظه ای هم ازین صراط المستقیم، عدول و فروگذاشت نکند!!!!!!

در مقاله مؤرخ دهم جولای ۲۰۱۰ خود زیر عنوان "هفت و هشت نسیان و نسلی در گرو نسیان" که در صفحه یازدهم جولای پورتال نشر گردید، ضمن افشای توطئه های جنایتکاران و مفسدان مشهور افغانستان، چنین میخوانیم:

» ...

- بمیدان انداختن "طرح تجزیه افغانستان"، اوج و معراج ترفند بالا و خائنه ترین ترفند "استخلاص" جنایتکاران از مجازات و عقوبتی سخت سنگین است، که در انتظار ایشان دقیقه شماری میکند. چون:
- می بینند، که ترفندهای دیگر آهسته آهسته رنگ میبازند و می بینند

– که بادران اشغالگر ایشان در شرف شکست قطعی قرار گرفته و آهسته آهسته در فکر آنند، تا خود و قوای مهاجم و متجاوز خود را از مخصه و تباهی کامل، نجات بدهند.
– و می دانند که مردم افغانستان سرانجام زمام امور کشور خود را بدست پرتوان خویش گرفته و روز دادخواهی و دادرسی و دادگستری و برپاکشتن محاکم و دادگاههای مردمی عن قریب و بزودی. زود، فرامیرسد!!!!!!
اینست که "درد دندان، کندن" را بهترین علاج تشخیص داده و میخواهند در بدل "رهائی" و "استخلاص" خود، وطن و کشور را قربانی بدهند!!!!!! مگر:

اینها اگر نمیدانند، هرآئینه بدانند که:

ضامن و حامی و حارس و حافظ این خاک پاک و این سرزمین ارجناک، مردم شریف و توده های ملیونی و مظلوم آنند. ایشان که صاحبان و مالکان اصلی این کشور اند، همان قسمی که در طول هزاران سال این خطه مبارک و مقدس را حفظ کرده اند، در آینده نیز ضامن بقاء و تمامیت ارضی آن خواهند بود. و تا مردم ما نگهدار و نگهبان این خاکند، از ترندهای جنایتکاران باکی نیست!!!!!!:

بَرَد کشتی آنجا که خواهد خُدا
و گَر جامه بر تن دَرَد ناخُدا

« (ختم نقل قول) »

بدلائل متقن میتوان نشان داد، که:

"اراده خدا در اراده مردم تبلور می یابد"

و

"زور مردم، زور خداست"

پس؛

تا وقتی که مردم و توده های ملیونی افغان ضامن و حامی و حافظ این خاکند،

از ناخدایان امپریالیست، شووینستهای منطقه و نوکران افغانی شان

باکی نیست!!!!!!

توضیحات:

۱ – از روحانیت حکیم فردوسی پوزش میخواهم، که فرموده اش را در عنوان اندک تغییر داده ام. اصل این دو بیت را شاهنامه های مختلف چنین آورده اند:

چو کشور نباشد تن من مباد درین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم ازان به که کشور به دشمن دهیم

۲ – "استمزاج" (بر وزن استهلاك و استحصال و استقلال و استدلال و استعمار و استثمار – مصدر باب "استفعال") کلمه عربی و در معنای "آزمایش کردن مزاج" یا "دریافتن مزاج" و به اصطلاح زیبایی عامیانه کابلی "قدآب(قد او) کردن" است.

۳ – کلمه "مفکوره" اصطلاح معروف ساخت دری زبانان افغانستان است، که بحساب صرف عربی از ریشه سه حرفی (ثلاثی) "فکر" ساخته شده است. این کلمه تنها در ادبیات افغانستان سراغ میگردد و خارج از آن نه در ایران و نه در بین اعراب تداول دارد. "مفکوره" مؤنث کلمه "مفکور" است که اسم مفعول از مصدر "فکر" بوده و در معنای "آنچه در باره اش فکر شده باشد" استعمال میگردد. ایرانیان کلمات "مفکور" و "مفکوره" را نمیشناسند، و چون دانشمندان و فرهنگنویسان ایران تنها به "فارسی ایران" توجه و عنایت دارند، نه به تمام قلمرو زبان دری و فارسی، ازینرو این ترکیب زیبا را در قاموسها و فرهنگهای مدون ایران پیدا نمیتوان کرد!!!! ایرانیان در عوض "مفکوره"، کلمه "فکر" را بکار میبرند، که مفهوم رسای "مفکوره" را درست افاده کرده نمیتواند!!!!!!

۴ - "نبرده" صفت نسبی و منسوب به "نبرد" و در معنای "رزمجو" ، "جنگاور" ، "جنگدیده" و "جنگجوی" است. این کلمه زیبای دری در ادبیات قدیم دری مثلاً در اشعار حکیم فردوسی توسی، بسیار بکار رفته است.

۵ - این مقالات در آرشیف بنده در پورتال "افغان جرمن آنلاین" و چند سایت دیگر، قابل دریافت اند و ان شاء الله بزودی وارد آرشیفهای پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - از جمله آرشیف بنده در آنجا - نیز خواهد گردید.